

# بازی‌های ۱۵ دقیقه‌ای

کبری محمودی



در «اردوگاه شهید باهنر تهران»، سالن یوریای ولی، بساط جشن و شادی و بازی برای مدیران مدرسه‌ها از طرف اداره آموزش و پرورش منطقه یک شهر تهران برپا بود. ما هم رفتیم تا بازی کنیم.

سخنرانی در کار نبود. گروه بین‌المللی همخوانی «الغدیر» چند قطعه کوتاه و البته شاد اجرا کردند. آقای مجری از مسئولان اداره آموزش و پرورش منطقه تهران، مسئولان دبیرستان علامه حلی ۳، مجتمع مفید، مدرسه فرزنانگان ۲، مجتمع خاتم، مجتمع شهید مهدوی، هنرستان امام حسن مجتبی (ع) و مجموعه آموزشی سپیدار و ... تشکر کرد. بعد هم آقای سید یزدان محمدی، مدیر متوسطه دوم دانا، خیلی سریع و راحت با لحنی بسیار خودمانی توضیح دادند که چطور و کجا قرار است بازی کنیم: «این جشنواره، امروز با عنوان «اولین جشنواره مدرسه شاد» برگزار می‌شود. معنای مستتر قید اولین، این است که دومین، سومین و چندمین جشنواره هم ان شاء الله خواهیم داشت. اولین را ما بر عهده گرفتیم تا چراغی را روشن کرده باشیم. فعالیت‌هایی که خدمتتان ارائه می‌شوند، بخشی از ایده‌های شاداب‌سازی مدرسه‌اند، نه تمام آن‌ها، قطعاً شما در بازدید با مواردی مواجه می‌شوید که می‌گویید این بازی یا فعالیت را که من در مدرسه خودمان انجام می‌دهم. ما خواسته‌ایم چراغی روشن کنیم تا برای جشنواره‌های بعدی، همه مجموعه‌ها شرکت کنند؛ طوری که این سالن یوریای ولی گنجایش همه را نداشته باشد.

خواهش می‌کنم امروز از پرستیز مدیریت فاصله بگیرید و کودک درونتان را هویدا کنید تا تأثیر فعالیت‌ها را حس کنید و بتوانید آن را به مدرسه‌تان انتقال دهید. ما عکس و فیلم و سی‌دی به نمایش گذاشته‌ایم تا شما خودتان بازی‌ها را حس کنید. قالب فعالیت‌ها در بازه زمانی ۱۵ دقیقه‌ای، یعنی رنگ تفریح، قابل اجرا هستند. یکی دیگر از قیده‌های شرکت در این جشنواره هم امکان اشاعه آن‌هاست؛ یعنی عوامل طراح بازی می‌توانند مربیان مدرسه شما را برای اجرا و پیاده‌سازی بازی، در محل شما یا محل خودشان، آموزش دهند.»

## دست راست بالا، انگشت‌ها به هم چسبیده!

دکتر رستمی در همان سالن حاضران را به بازی دعوت کرد. او گفت: «بعضی کارهای ما ناخودآگاه بین دو نیم‌کره مغز ارتباط به وجود می‌آورند. با استفاده از حرکاتی بسیار ساده می‌توان دانش‌آموزان کلاس را از حالت خواب‌آلودگی به هشیاری رساند. برای مثال، دست راست را بالا بیاورید.

دست‌ها را روی پاهایتان یا به نفر بغلی بزنید. عدد ۱۲۱ را با این حرکت‌ها نشان دهید. عدد ۱۲۱۲. عددها را عوض کنید و بازی را ادامه دهید.»

## یخ مدیریت را بشکنیم

در همان ابتدای راه چند فعالیت یخ‌شکن طراحی شده بود تا خانم‌ها و آقایان شرکت‌کننده در جشنواره، که مدیران منطقه ۱ آموزش و پرورش شهر

انگشتان دست بالا آورده را به هم بچسبانید. می‌بینید که همه انگشت‌ها به همین سادگی به هم می‌چسبند. حالا بدون اینکه انگشت‌ها تکان بخورند، دو انگشت را از بقیه جدا کنید. کار چندان راحتی نیست، اما اجرای این بازی در کلاس خیلی ساده است و تمرکز را بالا می‌برد.

نمونه دیگر این است که با شماره یک، دست‌ها را به هم بزنید. با شماره دو

تهران بودند، فارغ از وجهه مدیریتی‌شان، در گروه‌های جداگانه بازی کنند. شما مسابقه‌ای آشناتر از فعالیت سیب گاز زدن می‌شناسید؟ من البته فراموشش کرده بودم!



### به هم تکیه کنیم

در غرفه‌ای که خیلی هم شلوغ به نظر می‌رسید، دکتر احسان خان محمدی از «مدرسه خاتم» مشغول توضیح دادن چند بازی بود: «فقط کافی است به هم اعتماد کنید. در گروه‌های جداگانه خانم‌ها و آقایان، اعضای گروه‌تان را انتخاب کنید. به‌طور نامنظم کنار هم بایستید. حالا یک نفر از گروه چشم‌ها را ببندد و خود را از هر سمتی که دوست دارد، رها کند و در واقع بیفتد. دیگر اعضای گروهش باید او را نگاه دارند، همین و همین. در این بازی، بزرگ‌ترها خیلی سخت به هم اعتماد می‌کنند اما بچه‌ها بهتر و راحت‌تر اعتماد می‌کنند و خود را رها می‌کنند. معمولاً هم اتفاقی نمی‌افتد و دوستان هم گروهشان، آن‌ها را نگه می‌دارند. با این بازی، حس‌های بچه‌ها پرورش می‌یابد؛ حس دیداری، شنیداری و قدرت تمرکز.

بازی دیگر این است که در محوطه‌ای تعدادی مانع می‌چینیم. از بچه‌ها می‌خواهیم یک همیار برای خود انتخاب کنند. حالا یک نفر با چشم بسته از میان مانع‌ها عبور می‌کند؛ در حالی که همیارش او را راهنمایی می‌کند. این بازی داده‌های بسیاری برای من مشاور دارد؛ از اینکه این فرد تقلب می‌کند، آن

یکی اعتماد نمی‌کند، دیگری پرخاش می‌کند یا کلک می‌زند. این‌ها داده‌هایی هستند که من از آن‌ها برای کمک به دانش‌آموزان استفاده می‌کنم.

یک بازی که من در این سال‌ها دیده‌ام برای بچه‌ها خیلی جذاب است، این است که زنجیره‌های انسانی از دو گروه با تعداد مساوی درست می‌کنند. چشم‌ها بسته است. تسهیلگر، هم‌زمان دست نفر اول هر دو گروه را فشار می‌دهد. او هم دست نفر بعدی و به همین ترتیب تا آخر دست هم را فشار می‌دهند. نفر آخری که دستش فشرده می‌شود، به سرعت به سمت توپ می‌دود تا قبل از رقیب خود آن را بردارد. در این بازی، چنان رقابت شدیدی بین بچه‌های در سن بلوغ درمی‌گیرد و چنان هیجانی نشان می‌دهند که عجیب است. حتی بچه‌های ناآرام و بدون تمرکز، با تمرکز بسیاری این کار را انجام می‌دهند.

در بعضی مدرسه‌ها دیده‌اید فرم‌های عجیب و غریبی درباره بچه‌ها پر کرده‌اند که مثلاً فلانی امروز بسیار ناآرام بود و... واقعاً این اطلاعات جز ترویج و پرورش تفکر قضاوت‌گرایانه به چه دردی می‌خورد؟ من به عنوان روان‌شناس به اطلاعاتی نیاز دارم که بدانم ده سال بعد هم به درد می‌خورد.

در این بازی، فقر حرکتی معلوم می‌شود، فقر حسی همین‌طور. این بازی حلقه‌ای اتصالی دارد که روان‌شناس باید کنار آن باشد. با تمام خلاقیت و جذابیتی که دارد، وجود روان‌شناس ضروری است. ما در مدرسه از این ابزار برای آموزش والدین استفاده می‌کنیم. برای دریافت اطلاعات بیشتر با دبیرستان خاتم تماس بگیرید.

### تلاش می‌کنیم بنویسیم: تلاش!

به انتهای یک ماژیک به نسبت بزرگ، چهار قطعه طناب بسته شده است. سر دیگر هر طناب دست یکی از بچه‌هایی است که بازی‌گردان و بازی‌کننده‌اند. بچه‌ها دانش‌آموزان دوره اول «دبیرستان همت»‌اند و هر کدامشان در یک سمت میز ایستاده‌اند. با فرمان معلم، آقای نوروزیان، قرار می‌گذارند کلمه

«تلاش» را برای تماشاگران بنویسند. بازی شروع می‌شود. چهار نفر با تمرکز بسیار زیاد، می‌خواهند قله نوشتن یک کلمه را فتح کنند! صداهایشان را می‌شنوم: «اکبری شروع کن، آقای حسینی شما، آقای سلیمان برگرد... آقا معلم اینجا شما بیایید... اکبری، اکبری بیای... خب، بچه‌ها... نقطه‌ها، نقطه‌ها را بگذاریم.»

در نهایت بعد از حدود یک دقیقه، با کلی سعی، می‌نویسند «تلاش».



### شادمانه قدم برداریم

ساده‌تر از این نمی‌شود؛ کافی است کف کلاس یا حیاط مدرسه نقش کف پا بکشید، با فاصله‌های نامنظم و به هر ترتیب که دلتان می‌خواهد؛ جفت پا چسبیده، جفت پا به سمت راست یا چپ، یک لنگه، یک لنگه به بالا، حالا چپ، حالا پایین و .. تمام. طراحی بازی

طبیعی است که کلمه سخت‌تر امتیاز بیشتری نصیب گروه می‌کند. چه زنگ تفریح باشد، چه زنگ ورزش، حتی در ابتدا و انتهای زمان کلاس، یک دور اجرای این بازی بس است تا بچه‌ها سرحال بیابند و بعد درس شروع شود.

### شبکه تسمه

آقای سفارزاده شبکه‌ای به نام «تسمه» را معرفی کرد که در مدرسه‌شان از آن استقبال خوبی شده است: «شبکه تسمه یک شبکه تلویزیونی داخلی است که گزارش‌های تهیه‌شده توسط دانش‌آموزان مدرسه را به نمایش می‌گذارد. ما در سالن مدرسه تلویزیون گذاشته‌ایم و گزارش‌ها آنجا پخش می‌شوند. بچه‌ها از این موضوع استقبال می‌کنند و معمولاً مشکلات و مسائل مدرسه را در گزارش‌هایشان مطرح می‌کنند. حالا طوری شده است که بچه‌ها هرچه را دوست دارند دیده شود، به صورت گزارش درمی‌آورند تا در تسمه پخش شود. این دیده شدن به تقویت روحیه بچه‌ها کمک می‌کند.»

### بازی زبانی

**جاوید مقدمی** از بازی‌هایی شبیه دوز برایمان گفت: «یازده تا بازی آموزشی زبانی داریم؛ به چند زبان خارجی. با حروف کلمه می‌سازیم. بعضی بازی‌ها برای تقویت دیکته و واژه‌نویسی مناسب‌اند.»

این گروه با نام «اسکیدو» طراح و تولیدکننده ابزارهای آموزشی هستند و زیرمجموعه «انجمن تولیدکنندگان اسباب‌بازی» محسوب می‌شوند.

### آصره

بعضی غرفه‌ها هم ابتکارهایی داشتند؛ مثل ابتکار آصره. آقای صلیبی از همکاران دوره اول دبیرستان مجتمع آموزشی دانا، از قراری برایمان گفت که دانش‌آموزان امروز مدرسه برای سال‌ها بعد گذاشته‌اند. مردان فردا در پنجم فروردین سال ۱۴۱۴، که مصادف با عاشورای حسینی است، در صحن **امامزاده صالح** همدیگر را ملاقات

تحرك بهتر و بیشتر از این؟ در یک ربع زنگ تفریح می‌توان صفی از دانش‌آموزان را دید که بدون نیاز به مربی یا ایجاد مزاحمت برای دیگران، در گوشه‌ای از حیاط مدرسه در حال پریدن و شادی کردن هستند. بگذارید به آن‌ها خوش بگذرد... در حال ورزش هستند!

### حدس بزن منظورم چیست!

آقای سفارزاده از «مدرسه قیطریه»، دوره اول، از اجرای بازی پانتومیم گفت: «احتمالا یا خودتان بازی کرده‌اید یا اجرای آن را دیده‌اید. بچه‌های کلاس را به چند گروه تقسیم می‌کنیم. روی برگه‌هایی به سه رنگ سبز، زرد یا قرمز یک کلمه اعم از نام وسیله، حیوان یا هر مفهوم دلخواهی را می‌نویسیم و برگه‌ها را تا می‌کنیم و در ظرفی می‌گذاریم. درجه سختی کلمه‌ها با رنگ برگه‌ها تنظیم می‌شود. نفر انتخابی از هر گروه، یکی از برگه‌ها را برمی‌دارد و کلمه روی آن را با پانتومیم اجرا می‌کند. اعضای گروه‌ش باید کلمه را حدس بزنند تا امتیاز بگیرند. امتیاز هم براساس رنگ برگه و میزان سختی کلمه داده می‌شود.



تمام شد. بچه‌ها را صدا نکنید. گذرشان که به اینجا بیفتند، ناخودآگاه ادای این کف پاها را درمی‌آورند و سعی می‌کنند از روی یک تصویر پا به روی تصویر دیگر بپزند؛ طوری که کف پایشان بر تصویر منطبق شود.





می توانستند داخل آن بایستند و به جلو حرکت کنند. در حال حرکت، حلقه از بالا روی دستشان و از پایین زیر پایشان می چرخید. با این وسیله بازی دور سالن می گشتند و به خیال خودشان بازی می کردند، اما در واقع داشتند همراهی و هم گامی را تمرین می کردند.

آقای غلامنژاد از مؤسسه «سپهر دانش» هم بازی «اسکمیل» را نشانمان داد. این بازی به تقویت هوش زبانی - کلامی کمک می کند. گروه های دانش آموزی تعدادی حرف دریافت می کنند و باید با آن ها کلمه هایی را به صورت افقی یا اریب، روی صفحه ای بزرگ که ابزار آن تولید خود مؤسسه است، بسازند. این مؤسسه ابزار این بازی را هم اجاره می دهد و هم برای مدرسه ها می سازد.

از برگزار کنندگان درباره نحوه آگاهی از زمان و مکان برگزاری دومین و سومین جشنواره پرسیدیم. راستش هنوز نمی توانستند اطلاعات دقیقی به ما بدهند. گفتند این جشنواره را اجرا کرده اند تا مقدمه ای برای جشنواره های بعدی باشد. قرار شد در فضای مجازی اطلاع رسانی کنند. همین طور، قرار شد دبیرخانه های دائمی در منطقه برایش فعال شود. به نظر من در حالی که صبر می کنیم تا در جشنواره بعدی شرکت کنیم، می توانیم با مدرسه ها و مؤسسه هایی که در این جشنواره شرکت کرده بودند، تماس بگیریم و فعلاً چندتایی بازی در مدرسه مان راه بیندازیم.

البته بازی های دیگری هم بودند که من به آن ها نرسیدم؛ از جمله: تئاتر شورایی مجموعه خاتم، آزمایش های مهیج، موسیقی گروهی، بازی شهر ماجراجویانه، بازی فکری مدرسه فرزانتگان، ایده کتابخوانی ده پانزده نفری دکتر برادران و فعالیت های ساختنی آقای دهرویه، فعالیت هایی براساس هوش های گاردنر، عکس و مکتب مدرسه مفید، فکروورزی خانم فیروزمند، فضای الکترونیک و تیم آقای بایرامی، و چند ایده درباره دکوراسیون داخلی مدرسه.

آقای صادق صادق پور، و همراهانش چند تایی از بازی ها را امتحان کردند. البته بیشتر بازی کنندگان بازی های امروز مدیران مدرسه ها بودند. من فرصت نداشتم بازی کنم؛ چون باید گزارش را برای شما آماده می کردم. بازی ها هم که تمام شدند نبودند. تعدادی دانش آموز دبستانی را دیدم که دور سالن می گشتند. آقای رضایی، مربی مدرسه پیشاهنگ، هم قدم با آن ها حرکت می کرد و فقط مواظب بچه ها بود. از بنرهای بی استفاده، مستطیلی به عرض حدود ۴۰ سانتی متر و طول ۳۰ تا ۴۰ متر درست کرده بودند. سر و ته کار، یعنی ضلع های کوچک مستطیل را به هم چسبانده بودند. به این ترتیب، حلقه ای درست شده بود که

خواهند کرد. این مدرسه هر سال قبل از امتحان های پایان سال، فرم هایی مشتمل بر مشخصات و علائق فردی را در اختیار بچه ها می گذارد. آن ها هم فرم ها را پر می کنند و تحویل مدرسه می دهند. دبیرستان در نهایت فرم ها را کنار هم قرار می دهد و برگه هایی با دست خط خود بچه ها را صحافی می کند و وقت کارنامه دادن، یک جلد از آن را به آن ها هدیه می دهد. این کتاب را «آصره» نام نهاده اند. آصره یعنی آنچه سبب عاطفه و پیوستگی میان افراد می شود.

راستش دلم پیش یکی دو تا از بازی ها مانده بود. دوست داشتم طناب زنی مدرسه پیشاهنگ را امتحان کنم. ناگفته نماند که مدیر آموزش و پرورش منطقه ۱،

